

آیه ۱۳۰-۱۳۲

آیه و ترجمه

یَمْعَشِرُ الْجَنِّ وَالْإِنْسَ لَمْ يَأْتِكُمْ رَسُلٌ مِنْكُمْ يَقْصُونَ عَلَيْكُمْ أَيْتِي وَيَنْذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ ۱۳۰

ذلک آن لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و اهلها غفلون ۱۳۱
و لكل درجات مما عملوا و ما ربک بغفل عما یعملون ۱۳۲

ترجمه :

۱۳۰ - (در آن روز به آنها می گوید) ای جمعیت جن و انس آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند که آیات مرا برایتان بازگو می کردند و از ملاقات چنین روزی شما را بیم می دادند ، آنها می گویند گواهی می دهیم بر ضد خودمان (آری ما بد کردیم) و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد، و بر زیان خود گواهی می دهند که کافر بودند.

۱۳۱ - این بخاطر آن است که پروردگارت هیچگاه (مردم) شهرها و آبادیها را بخاطر ستمهایشان در حال غفلت و بیخبری هلاک نمی کند (بلکه قبلا رسولانی برای آنها می فرستد).

۱۳۲ - و برای هر یک (از این دو دسته) درجات (و مراتبی) است از آنچه عمل کردند و پروردگارت غافل از اعمالی که انجام می دهند نیست.

تفسیر:

اتمام حجت:

در آیات گذشته سرنوشت شیطان صفتان ستمگر در روز رستاخیز بیان شده، برای اینکه تصور نشود آنها در حال غفلت دست به چنین اعمالی زدند در

این آیات روشن می سازد که به اندازه کافی هشدار به آنها داده شده و اتمام حجت گردیده است، لذا در روز قیامت به آنها می گوید: «ای جمعیت جن و انس آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند و آیات مرا بازگو نکردند و در

باره ملاقات چنین روزی به شما اخطار نمودند» (یا معشر الجن و الانس الم یاتکم رسل منکم یقصون علیکم آیاتی و ینذرونکم لقاء یومکم هذا)
 «معشر» در اصل از «عشرة» به معنی عدد ده گرفته شده است و
 از آنجا که عدد ده یک عدد کامل است، کلمه معشر به یک جمعیت کامل
 که اصناف و طوائف مختلفی را در بر می گیرد گفته می شود. در اینکه
 آیا فرستادگان جن از جنس خود آنها است، یا از نوع بشر؟ در میان
 مفسران گفتگو است. اما آنچه از آیات سوره جن به خوبی استفاده می شود
 این است که قرآن و اسلام برای همه، حتی آنها نازل شده، و پیامبر اسلام مبعوث
 به همه بوده است، منتها هیچ مانعی ندارد که رسولان و نمایندگان از خود آنها
 از طرف پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) مامور دعوت آنان بوده باشند.
 (شرح بیشتر در این زمینه و هم در باره معنی علمی جن در تفسیر همان سوره
 جن در جزء ۲۹ قرآن مجید بخوانید خدا خواهد آمد).
 ولی باید توجه داشت که کلمه «منکم» (از شما) دلیل بر آن نیست
 که پیامبران هر دسته از جنس خودشان خواهند بود، زیرا هنگامی که
 به گروهی گفته شود «نفراتی از شما...» این نفرات ممکن است از
 یک طایفه یا از همه طوائف باشند.
 سپس می گوید: از آنجا که روز رستاخیز روز کتمان نیست و نشانه های همه
 چیز آشکار است و هیچکس نمی تواند چیزی را پنهان دارد، «همگی در برابر
 این پرسش الهی، اظهار می دارند: ما بر ضد خودگواهی می دهیم و اعتراف
 می کنیم که چنین رسولانی آمدند و پیامهای تو را به ما رسانیدند اما مخالفت
 کردیم»

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۴۴

(قالوا شهدنا علی انفسنا).
 آری دلائل کافی از طرف پروردگار در اختیار آنها بود و آنها راه را از
 چاه می شناختند «ولی زندگی فریبنده دنیا، و زرق و برق و سوسه انگیز
 آن، آنها را فریب داد» (و غرهم الحیاة الدنیا).
 این جمله به خوبی می رساند که سد بزرگ راه سعادت انسانها دلبستگی بپسند و
 حساب و تسلیم بی قید و شرط در برابر مظاهر جهان ماده است دلبستگیهایی
 که انسان را به زنجیر اسارت می کشاند و او را به هر گونه ظلم و ستم، تعدی و
 اجحاف، خودخواهی و طغیان، دعوت می کند.

بار دیگر قرآن تاکید می کند که آنها با صراحت به زیان خود گواهی می دهند که راه کفر پوئیدند و در صف منکران حق قرار گرفتند (و شهد و اعلی انفسهم انهم کانوا کافرین).

در آیه بعد همان مضمون آیه گذشته را، اما به صورت یک قانون کلی و سنت همیشگی الهی، بازگو می کند که این به خاطر آن است که پروردگارتو هیچگاه مردم شهرها و آبادیها را به خاطر ستمگریهایشان، در حالی که غافلند، هلاک نمی کند مگر اینکه رسولانی به سوی آنها بفرستد و آنها را متوجه زشتی اعمالشان سازد و گفتنیها را بگوید (ذلک ان لم یکن ربک مهلک القرى بظلم و اهلها غافلون).

کلمه «بظلم» می تواند به این معنی باشد که خدا کسی را به خاطر ستمهایش، و در حال غفلت، پیش از فرستادن پیامبران مجازات نمی کند، و می تواند به این معنی باشد که خدا افراد غافل را از روی ظلم و ستم کیفر نمی دهد زیرا کیفر دادن آنها در این حال، ظلم و ستم است و خداوند برتر از این است که درباره کسی

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۴۵

ستم کند. و سرانجام آنها را در آیه بعد خلاصه کرده چنین می گوید: «هر یک از این دسته ها: نیکو کار و بدکار، فرمانبردار و قانون شکن، حق طلب و ستمگر، درجات و مراتبی بر طبق اعمال خود در آنجا دارند و پروردگارت هیچگاه از اعمال آنها غافل نیست، بلکه همه را می داند و به هر کس آنچه لایق است می دهد (و لکل درجات مما عملوا و ما ربک بغافل عما یعملون). این آیه بار دیگر این حقیقت را تاکید می کند که تمام مقامها و درجات و درکات زائیده اعمال خود آدمی است و نه چیز دیگر.

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۴۶

آیه ۱۳۳-۱۳۵

آیه و ترجمه

و ربک الغنی ذو الرحمة ان یشا یدهبکم و یستخلف من بعدکم ما یشاء کما انشاکم من ذریة قوم ءاخیرین ۱۳۳
ان ما توعدون لات و ما ءنتم بمعجزین

۱۳۴ قل يقوم اعمالوا على مكانتكم انى عامل فسوف تعلمون من تكون له عقبه
الدار انه لا يفلح الظلمون ۱۳۵

ترجمه :

۱۳۳ - و پروردگارت بی نیاز و مهربان است (بنابراین درباره کسی ظلم و ستم
نمی کند بلکه اینها نتیجه اعمال خود را می گیرند) اگر بخواهد همه شما را
می برد و بعد از شما بجای شما هر چه بخواهد (و هر کس را بخواهد) جانشین
می سازد همانطور که شما را از نسل اقوام دیگری به وجود آورد.
۱۳۴ - آنچه به شما وعده داده می شود، می آید و شما نمی توانید (خدارا) ناتوان
سازید (و از عدالت و کیفر او فرار کنید).
۱۳۵ - بگو ای جمعیت! هر کار در قدرت دارید بکنید! من (هم به وظیفه خود)
عمل می کنم، اما به زودی خواهید دانست چه کسی سرانجام نیک خواهد
داشت (و پیروزی با چه کسی است اما) به طور مسلم ظالمان رستگار نخواهند
شد.

تفسیر:

آیه اول در واقع استدلالی است برای آنچه در آیات پیش در زمینه عدم ظلم
پروردگار بیان شد، آیه می گوید پروردگار تو، هم بی نیاز است، و هم رحیم و
مهربان بنابراین دلیلی ندارد که بر کسی کوچکترین ستم روا دارد زیرا کسی
ستم می کند که یا نیازمند باشد یا خشن و سنگدل (و ربك الغنى ذو الرحم).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۴۷

بعلاوه نه نیازی به اطاعت شما دارد و نه بیمی از گناهانتان
زیرا «اگر بخواهد همه شما را می برد و به جای شما کسان دیگری را که
بخواهد جانشین می سازد همانطور که شما را از دودمان انسانهای دیگری که
در بسیاری از صفات با شما متفاوت بودند آفرید» (ان یشا یذهبکم ویستخلف
من بعدکم ما یشاء کما انشاکم من ذریة قوم آخرین).
بنابراین او هم بی نیاز و هم مهربان و هم قادر بر هر چیز است با این حال تصور
ظلم درباره او ممکن نیست.

و با توجه به قدرت بی پایان او روشن است که: «آنچه به شما در
زمینه رستاخیز و پاداش و کیفر وعده داده، خواهد آمد و کمترین تخلفی در
آن نیست» (ان ما توعدون لات).

«و شما هرگز نمی توانید از قلمرو حکومت او خارج شوید و از پنجه عدالت او

فرار کنید» (و ما انتم بمعجزین).

سپس به پیامبر دستور می‌دهد که آنها را تهدید کرده بگوید: ای جمعیت هر کار از دستتان ساخته است انجام دهید من هم آنچه خدا به من دستور داده انجام خواهم داد، اما به زودی خواهید دانست سرانجام نیک و پیروزی نهائی با کیست، اما به طور مسلم ظالمان و ستمگران پیروز نخواهند شد و روی سعادت را نخواهند دید (قل یا قوم اعملوا علی مکانتکم انی عامل فسوف تعلمون من تكون له عاقبة الدار انه لا یفلح الظالمون).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۴۸

در اینجا بار دیگر می‌بینیم که بجای کفر تعبیر به ظلم شده و این نشان می‌دهد که کفر و انکار حق یکنوع ظلم آشکار است، ظلمی به خویشتن و ظلمی به جامعه، و از آنجا که ظلم بر خلاف عدالت عمومی جهان آفرینش است سرانجام محکوم به شکست خواهد بود.

آیه ۱۳۶

آیه و ترجمه

و جعلوا لله ممّا ذرّاء من الحرث و الانعم نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا لشرکائنا فما کان لشرکائهم فلا یصل الی الله و ما کان لله فهو یصل الی شرکائهم
ساء ما یحکمون ۱۳۶

ترجمه :

۱۳۶ - و (مشرکان) سهمی از آنچه خداوند آفریده از زراعت و چهارپایان برای او قرار دادند و گفتند - به گمان آنها - این مال خدا است و این مال شرکای ما (یعنی بتها) است، آنچه مال شرکای آنها بود به خدانمی‌رسید، ولی آنچه مال خدا بود به شرکایشان می‌رسید (و اگر سهم‌بتها مواجه با کمبودی می‌شد مال خدا را به آنها می‌دادند اما عکس آنرا مجاز نمی‌دانستند!) چه بد حکم می‌کنند (که علاوه بر شرک، حتی خدا را کمتر از بتها می‌گرفتند)!

تفسیر:

بار دیگر برای ریشه کن ساختن افکار بت پرستی از مغزها به ذکر عقائد و رسوم و آداب و عبادات خرافی مشرکان پرداخته و با بیان رسا خرافی بودن آنها را روشن می‌سازد.

نخست می‌گوید: «کفار مکه و سایر مشرکان سهمی از زراعت و چهارپایان خود را برای خدا و سهمی نیز برای بتها قرار می‌دادند، و می‌گفتند این قسمت

مال خدا است، و اینهم مال شرکای ما یعنی بتها است (و جعلوا لله مما ذرا من الحرث و الانعام نصيبا فقالوا هذا لله بزعمهم وهذا لشرکائن

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۴۹

گرچه در آیه تنها اشاره به سهم خداوند شده است، ولی از جمله‌های بعد استفاده می‌شود که سهمی برای خدا و سهمی برای بتها قرار می‌دادند، در روایات آمده است که: مصرف سهمی که برای خدا قرار داده بودند، کودکان و مهمانان بودند و از آن برای این کار استفاده می‌کردند و اما سهمی که از زراعت و چارپایان برای بتها قرار داده بودند مخصوص خدمه و متولیان بت و بتخانه و مراسم قربانی و استفاده خودشان بود.

و تعبیر به «شرکائنا» (شریکهای ما) برای بتها به خاطر آن است که آنها را شریک اموال و سرمایه و زندگی خویش می‌دانستند. تعبیر به «مما ذرا» (از آنچه خدا خلق کرده) در حقیقت اشاره به ابطال عقیده آنها است.

زیرا این اموال همگی مخلوق خدا بودند، چگونه سهمی از آنها برای خدا قرار می‌دادند و سهمی برای بتها.

سپس اشاره به داوری عجیب آنها در این باره کرده و می‌گوید «سهمی را که برای بتها قرار داده بودند هرگز به خدا نمی‌رسید و اما سهمی را که برای خدا قرار داده بودند به بتها می‌رسید» (فما کان لشرکائهم فلا یصل الی الله و ما کان لله فهو یصل الی شرکائهم).

در اینکه منظور از این جمله چیست میان مفسران گفتگو است ولی همه آنها تقریباً به یک حقیقت بر می‌گردند و آن این است: هر گاه بر اثر حادثه‌های قسمتی از سهمی که برای خدا از زراعت و چهارپایان قرار داده بودند آسیب می‌دید و نابود می‌شد می‌گفتند مهم نیست خداوند بی‌نیاز است، اما اگر از سهم بتها از بین میرفت سهم خدا را به جای آن قرار می‌دادند و می‌گفتند: بتها نیاز

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۰

بیشتری دارند.

همچنین اگر آب از مزرعه‌های که سهم خدا بود به مزرعه سهم بتها نفوذ می‌کرد می‌گفتند مانعی ندارد خدا بی‌نیاز است، اما اگر قضیه به

عکس میشد جلو آن را می گرفتند و می گفتند بتها احتیاج بیشتری دارند.
در پایان آیه با یک جمله کوتاه این عقیده خرافی را محکوم می سازد
ومی گوید: «چه بد حکم می کنند» (ساء ما يحكمون).
دلیل بر زشتی کار آنها علاوه بر اینکه بت پرستی از ریشه فاسد و بی اساس بود
چند موضوع است:

۱ - با اینکه همه چیز مخلوق خدا است، و ملک مسلم او است، و حاکم و مدبر و
حافظ همه موجودات او می باشد، آنها تنها سهمی از آن را به خدا تخصیص
می دادند گویا مالک اصلی آنها بودند و فقط حق تقسیم به دست آنها بود!
(همانطور که گفتیم جمله «مما ذرا» اشاره به این واقعیت است).

۲ - آنها در این تقسیم جانب بتها را مقدم می داشتند لذا هر آسیبی متوجه سهم
خدا می شد مهم نبود اما آسیبهایی که متوجه سهم بتها می شد به وسیله سهم
خدا جبران میکردند و آن را گرفته به بتها می دادند که در آیه اشاره به آن شده
است، و این یکنوع امتیاز و برتری برای بتها نسبت به خداوند بود!!

۳ - از بعضی از روایات استفاده می شود که آنها برای سهم بتها اهمیت خاصی
قائل بودند و لذا متولیان و خدمه بت و خود بت پرستان از سهم آنها می خوردند
و سهم خدا را تنها به بچه ها و میهمانان می دادند. و قرائن نشان می دهد که
گوسفندهای چاق و فربه و غلات خوب مال بتها بود تا بتوانند به اصطلاح
شکمی از عزا در آورند.

همه اینها نشان می دهد که آنها در تقسیم حتی برای خداوند به اندازه
بتها ارزش قائل نبودند چه حکمی از این زشتتر و ننگینتر که انسان قطعه سنگ

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۱

و چوب بی ارزشی را بالاتر از آفریننده جهان هستی فکر کند، آیا انحطاط
فکری از این بالاتر تصور می شود؟!

آیه ۱۳۷

آیه و ترجمه

و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اءولدهم شرکاؤهم لیردوهم ولیلبسوا
علیهم دینهم و لو شاء الله ما فعلوه فذرهم و ما یفترون ۱۳۷
ترجمه :

۱۳۷ - و همچنین شرکای آنها (یعنی بتها) قتل فرزندانشان را در نظرشان جلوه
داده بودند (کودکان خود را قربانی بتها می کردند و افتخار می نمودند!) و

عاقبت این کار چنین شد که آنها را به هلاکت افکندند و آئینشان را دگرگون ساختند و اگر خدا می خواست چنین نمی کردند (زیرا می توانست اجبارا جلو آنان را بگیرد ولی اجبار سودی ندارد) بنابراین آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار (و به اعمال آنها اعتنامکن).

تفسیر:

قرآن در این آیه اشاره به یکی دیگر از زشتکاریهای بت پرستان و جنایتهای شرم آور آنها کرده می گوید: همانطور که تقسیم آنها در مورد خداوند و بتها در نظرشان جلوه داشت و این عمل زشت و خرافی و حتی مضحک را کاری پسندیده می پنداشتند همچنین شرکای آنها قتل فرزندان را در نظر بسیاری از بت پرستان جلوه داده بود تا آنجا که کشتن بچه های خود را یک نوع «افتخار» و یا «عبادت» محسوب می داشتند (و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولادهم شرکائهم).

منظور از «شرکاء» در اینجا بتها هستند که به خاطر آنان گاهی فرزندان خود را قربانی می نمودند و یا نذر می کردند که اگر فرزندی نصیب آنها شد آن را برای بت قربانی کنند، همانطور که در تاریخ بت پرستان قدیم گفته شده است، و بنابراین نسبت تزیین به بتها به خاطر آن است که علاقه و عشق به

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۲

بت آنها را وادار به این عمل جنایت بار می کرد، و روی این تفسیر، قتل در آیه فوق با مسئله زنده به گور کردن دختران و یا کشتن پسران به خاطر ترس از فقر، ارتباطی ندارد.

این احتمال نیز وجود دارد که: منظور از تزیین این جنایت به وسیله بتها این باشد که خدمه و متولیان بتکده ها مردم را به این کار تشویق می کردند و خود را زبان بت می دانستند زیرا نقل می کنند که عربهای زمان جاهلیت برای انجام سفرهای مهم و کارهای دیگر از «هبل» (بت بزرگ آنها) اجازه می گرفتند و طرز اجازه گرفتن آنها این بود که چوبهای تیری که در کیسه مخصوصی مجاور هبل قرار داشت و روی بعضی از آنها «افعل» (انجام بده) و روی بعضی «لا تفعل» (انجام مده) نوشته شده بود تکان می داد و چوبه تیری را از میان آنها خارج می ساخت و هر چه روی آن نوشته شده بود به عنوان پیام هبل! تلقی می شد و این نشان می دهد که از این طریق نظر بتها را کشف، هیچ

بعید نیست که مسئله قربانی برای بت نیز از طریق خدمه، به عنوان یک پیام بت معرفی شده باشد.

این احتمال نیز وجود دارد که زنده به گور کردن دختران در میان آنها که طبق نقل تواریخ به عنوان بر طرف ساختن لکه ننگ در میان طائفه ((بنی تمیم)) رائج شده بود به عنوان پیام بتها معرفی شده باشد، زیرا در تاریخ می خوانیم که نعمان بن منذر حمله به جمعی از عرب کرد و زنان آنها را اسیر ساخت و در میان آنها دختر قیس بن عاصم بود، سپس صلح در میان آنها برقرار شد، و هر زنی به عشیره خود پیوست، به جز دختر قیس که او ترجیح داد در میان قوم دشمن بماند، و شاید با یکی از جوانهای آنها ازدواج کند این مطلب بر قیس بسیار گران آمد و سوگند (به عنوان بتها) یاد کرد که هر گاه دختر دیگری برای او متولد شود زنده به گورش کند و چیزی نگذشت که این عمل سنتی در

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۳

بین آنها شد که زیر ماسک دفاع از ناموس دست به بزرگترین جنایت یعنی کشتن فرزندان بی گناه زدند.

بنابراین زنده به گور کردن دختران نیز ممکن است در آیه فوق داخل باشد. یک احتمال دیگر نیز در تفسیر آیه فوق به نظر می رسد اگر چه مفسران آن را ذکر نکرده اند و آن اینکه: عربهای زمان جاهلیت آنچنان اهمیتی برای بتها قائل بودند که اموال نفیس خود را خرج بتها و متولیان و خدمه زورمند و پر درآمد آنها می کردند و خودشان فقیر و تهیدست می شدند تا آنجا که گاهی بچه های خود را از گرسنگی و فقر سر می بریدند، این عشق به بت چنین عمل زشتی را در نظر آنها تزیین کرده بود.

ولی تفسیر اول یعنی قربانی کردن فرزندان برای بتها با متن آیه از همه مناسبتر است.

سپس قرآن نتیجه این گونه اعمال زشت این بود که بتها و خدمه بت، مشرکان را به هلاکت بیفکنند و دین و آئین حق را مشتبه سازند و آنها را از رسیدن به یک آئین پاک محروم نمایند (لیردوهم و لیلبسوا علیهم دینهم).

قرآن می گوید: «اما با این همه اگر خدا می خواست می توانست به اجبار جلو آنها را بگیرد» ولی اجبار بر خلاف سنت خدا است، خداوند خواسته بندگان آزاد باشند تا راه تربیت و تکامل هموار گردد زیرا در اجبار نه تربیت است و نه

تکامل (و لو شاء الله ما فعلوه).

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۴

و در پایان می‌فرماید: اکنون که چنین است و آنها در میان یک چنین اعمال خرافی زشت و ننگینی غوطه‌ورند و حتی قبح آن را درک نمی‌کنند، و از همه بدتر اینکه گاهی آن را به خدا نیز نسبت می‌دهند آنها و تهمتهایشان را به حال خود واگذار، و به تربیت دل‌های آماده و مستعدپرداز (فذرهم و ما یفترون).

آیه ۱۳۸-۱۳۹

آیه و ترجمه

و قالوا هذه اءنعم و حرث حجر لا یطعمها الا من نشاء بزعمهم و اءنعم حرمت ظهورها و اءنعم لا یدکرون اسم الله علیها افتراء علیه سیجزیهم بما کانوا یفترون ۱۳۸

و قالوا ما فی بطون هذه الانعم خالصة لذكورنا و محرم علی اءزوجنا و ان یکن میتة فهم فیه شركاء سیجزیهم وصفهم انه حکیم علیم ۱۳۹
ترجمه :

۱۳۸ - و گفتند این قسمت از چهار پایان و زراعت (که مخصوص بتهاست برای همه) ممنوع است و جز کسانی که ما بخواهیم - به گمان آنها - از آن نباید بخورد و (می‌گفتند اینها) چهارپایانی است که سوار شدن بر آنها تحریم شده و چهارپایانی که نام خدا را بر آن نمی‌بردند و به خدا دروغ می‌بستند (و می‌گفتند این احکام از ناحیه او است) به زودی کیفر افتراهای آنها را می‌دهد. ۱۳۹ - و گفتند آنچه در شکم این حیوانات (از جنین و بچه) وجود دارد مخصوص مردان ماست و بر همسران ما حرام است اما اگر مرده باشد (یعنی مرده متولد شود) همگی در آن شریکند و به زودی (خدا) کیفر این توصیف (و احکام دروغین) آنها را می‌دهد او حکیم و دانا است.

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۵

تفسیر:

در این آیات به چند قسمت از احکام خرافی بت پرستان که حکایت از کوتاهی سطح فکر آنها می‌کند اشاره شده است و بحث آیات قبل را تکمیل می‌نماید. نخست می‌گوید بت پرستان می‌گفتند: این قسمت از چهار پایان و زراعت که مخصوص بتها است و سهم آنها می‌باشد به طور کلی برای همه ممنوع است،

مگر آنهایی که ما می‌خواهیم و به پندار آنها تنها بر این دسته حلال بود نه بر دیگران (و قالوا هذه انعام و حرث حجر لا يطعمها الا من نشاء بزعمهم). و منظورشان همان خدمه و متولیان بت و بتخانه بود تنها این دسته بودند که به پندار آنها حق داشتند از سهم بتها بخورند. و از این بیان نتیجه می‌گیریم که این قسمت از آیه در حقیقت اشاره به چگونگی مصرف سهمی است که برای بتها از زراعت و چهار پایان قرار می‌دادند، که شرح آن در دو آیه قبل گذشت. کلمه «حجر» (بر وزن شعر) در اصل به معنی ممنوع ساختن است و همانطور که راغب در کتاب مفردات گفته است بعید نیست از ماده «حجاره» به معنی سنگ گرفته شده باشد زیرا هنگامی که می‌خواستند محوطه‌های را ممنوع اعلام کنند، اطراف آن را سنگ‌چین می‌کردند و اینکه به حجر اسماعیل این کلمه اطلاق شده است به خاطر آن است که به وسیله دیوار سنگی مخصوصی از سایر قسمت‌های مسجد الحرام جدا شده است. به همین مناسبت گاهی به عقل حجر گفته می‌شود زیرا انسان را از کارهای خلاف منع می‌کند، و هر گاه کسی زیر نظر و تحت حمایت دیگری قرار بگیرد می‌گویند در حجر

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۶

او است، و محجور به کسی گفته می‌شود که از تصرف در اموال خویش ممنوع است. سپس اشاره به دومین چیزی می‌کند که آنها تحریم کرده بودند و می‌گوید: «آنها معتقد بودند که قسمتی از چهار پایان هستند که سوار شدن بر آنها حرام است» (و انعام حرمت ظهورها). و ظاهراً همان حیواناتی بوده است که در آیه ۱۰۳ سوره مائده به عنوان سائبه و بحیره و حام شرح آن گذشت (برای اطلاع بیشتر ذیل آیه مزبور را مطالعه فرمائید). بعد سومین قسمت از احکام ناروای آنها را بیان کرده می‌گوید: «نام خدا را بر قسمتی از چهار پایان نمی‌بردند» (و انعام لا یذکرون اسم الله علیها). این جمله ممکن است اشاره به حیواناتی باشد که به هنگام ذبح تنها نام بت را می‌بردند و یا حیواناتی بوده است که سوار شدن بر آنها را برای حج تحریم کرده بودند، چنانکه در تفسیر مجمع البیان و تفسیر کبیر والمنار و قرطبی از بعضی

از مفسران نقل شده است، و در هر دو صورت حکمی بود بی دلیل و خرافی. عجیب این است که به این احکام خرافی قناعت نمی کردند بلکه «به خدا افترا میبستند و آن را به او نسبت می دادند» (افتراء علیه). در پایان آیه پس از ذکر این احکام ساختگی «خداوند به زودی کیفر آنها را در برابر این افتراءات خواهد داد» (سیجزیهم بما کانوا یفترون). آری هنگامی که بشر بخواهد به فکر ناقص خود جعل حکم و قانون کند

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۷

ممکن است هر طائفهای با هوا و هوسهای خود احکام و مقرراتی بسازند، و نعمتهای خدا را بیجهت بر خود حرام و یا کارهای زشت و خلاف خود را بر خود حلال کنند، این است که می گوئیم قانونگذار تنها باید خدا باشد که همه چیز را می داند و از مصالح کارها آگاه و از هر گونه هوا و هوس بر کنار است. در آیه بعد به یکی دیگر از احکام خرافی آنها در مورد گوشت حیوانات اشاره کرده می فرماید: «آنها گفتند جنین هائی که در شکم این حیوانات است مخصوص مردان ما است و بر همسران ما حرام است ولی اگر مرده متولد شود، همگی در آن شریکند» (و قالوا ما فی بطون هذه الانعام خالصة لذكورنا و محرم علی ازواجنا و ان یکن میتة فهم فیه شرکاء). باید توجه داشت منظور از «هذه الانعام» همان حیواناتی است که در آیه قبل به آن اشاره شده است.

بعضی از مفسران احتمال داده اند که عبارت ما فی بطون هذه الانعام (آنچه در شکم این حیوانات است) شامل شیر این حیوانات نیز بشود، ولی با توجه به جمله و ان یکن میتة (اگر مرده بوده باشد) روشن می شود که آیه فقط از جنین بحث می کند که اگر زنده متولد شود، آن را مخصوص مردان می دانستند و اگر مرده متولد می شد، که زیاد مورد رغبت و میل آنها نبود همه را در آن مساوی می دانستند!

این حکم اولاً هیچگونه فلسفه و دلیلی نداشت و ثانیاً در مورد جنینی که مرده متولد می شد، بسیار زشت و زننده بود، زیرا گوشت چنین حیوانی غالباً فاسد و زیان بخش است و ثالثاً یکنوع تبعیض آشکار میان جنس مرد و زن

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۸

بود زیرا آنچه خوب بود، مخصوص مردان، آنچه بد بود به زنان هم از آن سهمی

داده می‌شد.

قرآن به دنبال این حکم جاهلی، با این جمله مطلب را تمام کرده و می‌گوید:
«بزودی خداوند کیفر این گونه توصیفات آنها را می‌دهد» (سیجزیهم
وصفهم).

تعبیر به وصف اشاره به توصیفی است که آنها از خدا می‌کردند و تحریم این
گونه غذاها را به خدا نسبت اگر چه منظور از آن صفت و حالتی است که بر اثر
تکرار گناه به شخص گناهکار دست می‌دهد و او را مستحق مجازات می‌کند
و در پایان آیه می‌فرماید: «او حکیم و دانا است» (انه حکیم علیم).
هم از اعمال و گفتار و تهمتهای ناروای آنان با خبر است و هم روی حساب،
آنها را مجازات می‌کند.

آیه ۱۴۰

آیه و ترجمه

قد خسر الذین قتلوا اولدهم سفها بغیر علم و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله
قد ضلوا و ما کانوا مهتدین ۱۴۰
ترجمه :

۱۴۰ - مسلماً آنها که فرزندان خود را از روی سفاهت و نادانی کشتند زیان
دیدند و آنچه را خدا به آنها روزی داده بود بر خود تحریم کردند و برخدا افترا
بستند، آنها گمراه شدند و (هرگز) هدایت نیافتند.

تفسیر:

در تعقیب چند آیه گذشته که سخن از قسمتی از احکام خرافی و آداب زشت و
ننگین عصر جاهلیت عرب، از جمله کشتن فرزندان به عنوان قربانی بتها، و یا
زنده به گور کردن دختران به عنوان حفظ حیثیت قبیله و خانواده، و
همچنین

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۵۹

تحریم قسمتی از نعمتهای حلال به میان آورد، در این آیه به شدت همه این
اعمال و احکام را محکوم کرده و با هفت تعبیر مختلف در جمله‌هایی کوتاه اما
بسیار رسا و جالب، وضع آنها را روشن می‌سازد.

نخست می‌گوید: کسانی که فرزندان خود را از روی سفاهت و جهل
کشتند زیان کردند هم از نظر انسانی و اخلاقی، و هم از نظر عاطفی، و هم از
نظر اجتماعی، گرفتار خسارت و زیان گشتند و از همه بالاتر خسارت معنوی

در جهان دیگر (قد خسر الذین قتلوا اولادهم سفها بغیر علم) در این جمله عمل آنها یکنوع خسران و زیان و سپس سفاهت و سبک مغزی و بعد کار جاهلانه معرفی شده است، که هر یک از این تعبیرهای سه گانه به تنهایی برای معرفی زشتی عمل آنها کافی است، کدام عقل اجازه می دهد که انسان فرزند خود را با دست خود به قتل برساند و انگهی آیا این سفاهت و سبک مغزی نیست که از این عمل شرم نکند بلکه آنرا یکنوع افتخار یا عبادت محسوب دارد، کدام علم و دانش اجازه می دهد که انسان چنین عملی را به عنوان یک سنت و یا قانون در جامعه خود بپذیرد؟!

اینجا است که به یاد گفتار ابن عباس می افتیم که می گفت: اگر کسی بخواهد میزان عقب ماندگی اقوام جاهلی را بداند آیات سوره انعام (یعنی آیات فوق) را بخواند.

سپس قرآن میگوید: اینان آنچه را خدا به آنان روزی داده بود و مباح و حلال ساخته بود. بر خود تحریم کردند و بخدا افترا زدند که خدا آنها را حرام کرده است (و حرموا ما رزقهم الله افتراء علی الله).

در این جمله با دو تعبیر دیگر اعمال آنها محکوم شده است زیرا اولاً آنها نعمتی را که خدا به آنان روزی داده بود و حتی برای ادامه حیاتشان لازم و ضروری بود بر خود تحریم کردند و قانون خدا را زیر پا گذاشتند و ثانیاً

تفسیر نمونه جلد ۵ صفحه ۴۶۰

به خدا افترا بستند که او چنین دستوری داده است، با آنکه ابداً چنین نبود. و در پایان آیه با دو تعبیر دیگر آنان را محکوم می سازد نخست می گوید آنها بطور مسلم گمراه شدند (قد ضلوا) سپس اضافه می کند آنها هیچگاه در مسیر هدایت نبوده اند (و ما کانوا مهتدین).

↑ فرست

→ قبل